

گفت‌وگویی صبا با عوامل نمایش «قضیه تفنگ چخوف»

تفنگی که بی دلیل روی دیوار نیست

مریم عظیمی
گفت و گو

نمایش «قضیه تفنگ چخوف» که از ۱۶ مرداد در سالن هامون روی صحنه رفته با توجه به استقبال مخاطبان برای بار سوم هم تمدید شده است. کارگردانی این نمایش بر عهده اشکان پیردل زنده است که مخاطبان تئاتر او را بیشتر با اجرای نمایش «چخفته» در تئاتر شهر به یاد دارند و نویسنده‌ی آن را احسان بدخشان انجام داده است. این نمایش چند کاراکتر مشهور را در فضای پس از مرگ درگیر به بازی پیچیده می‌کند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

محمد معتضدی، بازیگر:

در این نمایش مولیر نماد بازیگری است

همکاری شما با اشکان پیردل زنده چگونه شکل گرفت؟
این اولین همکاری من با اشکان عزیز است که خیلی کلاسیک رخ داد و مدیر تولید این کار با من تماس گرفتند و گفتند که ما کاری در دست اجرا داریم و برای یکی از نقش‌ها کارگردان اصرار دارد که شما بازی کنید و من هم نمایشنامه را خواندم، صحبت‌های اولیه را انجام دادیم و همکاری مان آغاز شد.

پس از اینکه نمایشنامه را خواندید آیا برای نقش مولیر با آقای پیردل زنده هم نظر بودید؟

زمانی که من به گروه ملحق شدم تمام کست چیده شده و چند ماهی بود که گروه تمرین می‌کرد. شانس من این بود که همان گونه که خودم مولیر این نمایشنامه را دوست داشتم همین نقش هم به من پیشنهاد شد. ولی اگر کل نمایشنامه را به من می‌دادند و همه نقش‌ها مانند یک منو جلوی من بود، باز هم مولیر را انتخاب می‌کردم.

در این پرداخت فانتزی به داستان و کاراکترها شما بیشتر به چه مولفه‌هایی در نقش برداری دقت کردید؟

فضای کار در کلیت نمایش و جزء به جزء ساختار آن فانتزی است و این فانتزی بودن بزرگترین ویژگی‌ای است که باید در هر وظیفه و جایگاهی که در این نمایش دارید در نظر بگیرید و به آن فکر کنید. همان گونه که در لباس، گریم، نوع نورپردازی و همه چیز از جمله بازیگری دیده می‌شود. اساساً همانگونه که در نمایش گفته می‌شود مولیر، پدر کمدی در تئاتر نامیده می‌شود و به نوعی می‌توان گفت مولیر کسی بود که کمدی را وارد تئاتر کرد و تا پیش از مولیر نمایش‌ها بسیار کلاسیک و ابراهام بودند و این نکته‌ای بود که برای رسیدن به این نقش بسیار به آن توجه کردم و اتوهای زیادی زدم. اما نکته اصلی دیگر این است که در این نمایش مولیر نماد بازیگری است یعنی ما در این نمایش کاراکترهایی از افسار مختلف داریم که هر کدام نماد موضوعی در دنیای مشاهیر هستند و دغدغه‌های متفاوتی دارند. مولیر کسی بود که در این نمایش نماد

بازیگری بود و اگر دقت کنید در هر صحنه‌ای یک تپیی را بازی می‌کند. البته این مسئله کاملاً در تعامل با کارگردان اجرا می‌شود. همانگونه که در مونولوگ پایانی هم می‌گویم هیچکس نفهمید که مولیر واقعی چه کسی است. مولیر یک بازیگر است و در واقع من این را می‌گویم که بازیگرها، صرفاً کاراکترهای مختلفی که روی صحنه ارائه می‌دهند نیستند.

یعنی در واقع می‌خواهید بگوید آن چهره‌ای که مخاطب از بازیگرها یا مولیر می‌شناسد چیزی است که آنها روی صحنه ارائه می‌کنند؟

بله دقیقاً در مونولوگ پایانی من صحنه مرگ مولیر را توصیف می‌کنم و می‌بینیم که مخاطب وقتی با واقعیت مولیر مواجه می‌شود باز هم باور نمی‌کند و فکر می‌کند که او دارد نقش بازی می‌کند. با اینکه بازیگر در آن لحظه به سوی مرگ می‌رود اما مخاطب باور نمی‌کند که بازیگر می‌تواند چیزی به غیر از آنچه که روی صحنه است نیز باشد و این خیلی تلخ و دردناک است.

همکاری با اشکان پیردل زنده چگونه تجربه‌ای بود؟

این گروه به غیر از بازیگرانی مثل عماد جاویدپور، پرستو الماس، نیکو پشوتن و خود اشکان پیردل زنده که مدتهاست در دنیای تئاتر فعالیت می‌کنند، گروه جوانی در ارائه کار بودند. اصولاً

کار کردن با این گروه‌ها یک سری ویژگی‌های جذاب و یک سری هم چالش دارد. ویژگی جذابش این است که گروه بسیار پرانرژی و پراگیزه است و از تمرین و تلاش زیاد و هیجان روی صحنه بودن استقبال می‌کند که به نظر من این ذات هنر است. اینکه ما در هر سالی از حیات هنری مان که هستیم این هیجان و تلاش را برای ارائه کار بهتر همیشه در خودمان داشته باشیم و هیچ وقت هنر برای مان تبدیل به یک شغل و روزمرگی نشود و این امر در گروه و در خود اشکان بسیار مشهود است چرا که اشکان فردی پر تلاش و زحمتکش است و ارائه صد در صد آنچه که در ذهنش است برایش خیلی مهم است. بسیاری از افراد هستند که چیزی مد نظرشان است اما اگر چیزی نزدیک به آن هم پیدا کنند راضی می‌شوند اما برای اشکان اینگونه بود که می‌خواست دقیقاً همان چیزی که در ذهنش است اتفاق بیافتد. شاید این مسئله باعث شود بر عوامل نمایش و بازیگران کمی فشار روانی ایجاد شود اما حاصل آن چیزی می‌شود که کارگران کاملاً از آن راضی است و به نظر من این ویژگی بسیار مثبتی است که بتوانیم خودمان را متقاعد کنیم به اینکه آنقدر باید تمرین انجام شود تا صد در صد آنچه که باید اتفاق بیافتد. به هر حال کم تجربه‌گی بعضی از دوستان و نازه بودن این فضا برایشان چالش‌هایی ایجاد می‌کرد که آنها نیز طی شد و در نهایت من از حضورم در این گروه بسیار خوشحالم و به

